



۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷

May 21, 2018



مدیحه سرایی در سکه های دوران اسلامی

دکتر لطیفه سلامت باویل^۱، شهره بیروتی^۲

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی salamatlatifeh@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری تاریخ تحلیلی و تطبیقی هنر اسلامی، مدرس و مدیر گروه فرهنگ و هنر مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی بندرانزلی shohrehbirouti@yahoo.com

چکیده

شاید یکی از قدیمی ترین موضوعاتی که در شعر فارسی دری مورد توجه شاعران واقع شده، موضوع مدح و مدیحه سرایی باشد و این بدان علت است که هنر شاعری، ابتدا در دربار امیران و سلاطین ایران مورد توجه قرار گرفته و از شعر به عنوان مهم ترین ابزار برای تبلیغ سیاست و قدرت نمایی حکومت ها بهره برداری شده است. شرایط سیاسی و علاقه به اشتهار امیران و صاحبان قدرت از عوامل رواج و بالندگی شعر مدحی (درباری) در ادبیات فارسی است. البته تملق شاعران از امرا و پادشاهان، اختصاص به شعر فارسی ندارد و در آثار ادبی سایر ملل نیز دیده می شود. یکی از ویژگی های عرب جاهلی، تفاخر به پدران، بزرگان و اجداد خویش بوده و این هدف را بوسیله سرودن شعر به انجام می رساندند. آنها پدران و بزرگان خویش را مدح می کردند و به هجو و سخره اقوام دیگر می پرداختند. بعد از بعثت پیامبر اسلام، مدح آن حضرت و سپس خلفا رواج داشت و در عصر اموی، مدیحه سرایی اوج گرفت و خلفای اموی برای تثبیت موقعیت خود و مشروعیت بخشیدن به خلافت خویش، همانگونه که به جعل حدیث می پرداختند، از شعرا نیز می خواستند که به مدح آن ها بپردازند؛ این روند در عصر عباسی نیز رواج یافت. قسمت عمده ای از آثار قصیده گوینان ادب فارسی، همین مدایح و ملحقات آن ها در بین ممدوحان را شامل می گردد. کسانی که از خوش باوری یا از تلقین شعرا، این مدایح پوچ را وسیله ای برای جاویدان کردن نام خویش تلقی می کردند، بدین جهت است که "نظامی عروضی" در کتاب "چهار مقاله" چنین مدایحی را لازمی بقای اسم پادشاهان می داند: «پس پادشاه را از شاعر نیک، چاره نیست که بقای اسم او را ترتیب کند و ذکر او را در دواوین و دفاتر ثبت کند؛ زیرا که چون پادشاه به امری که ناگزیر است مامور شود، از لشکر و گنج و خزانه او آثار نماند و نام او به سبب شعر شاعران جاوید بماند.» (انواع ادبی، رزمجو، حسین؛ تهران، آستان قدس، ۱۳۷۴، ص ۴۰ تا ۴۵). تاریخ کشورمان پر بوده از حکایت های شاهانه و کرامت بخشی های آنان، به ویژه به شاعران مداح و چاپلوسی که از واقعیت زندگانی مردم خویش به دور بودند. مقاله حاضر، در پی بررسی اشعاری است که به صورت افراط گرایانه ای به مدح شاهان پرداخته و بر روی سکه های اسلامی با غلو و اغراق فراوان از دوران صفوی تا قاجار ضرب گردیده است. سکه ها، بستر مناسبی برای نمایش قدرت پادشاهان می باشند؛ سکه های دوران اسلامی به صورت گسترده در ضرابخانه های حکومتی، دولتشهرها و پایتخت ها ضرب می گردیدند و سطح عمده ای

مدح، سخنی است که به مقتضای حال ایراد می شود تا در ممدوح تاثیر بگذارد و او را منفعل سازد. یعنی شیوه ای است که بر پایه احوال نفسانی افراد بنا می شود. می توان به راحتی اظهار کرد که ادبیات هیچ ملتی از این نوع سخن عاری نبوده است، زیرا ریشه در نفسانیت آدمی دارد و بشر نیز حامل این نفس است. از این رو بیشتر مردم دوست دارند یا مدح شوند یا مدح بگویند. آن چه شاعر را به طرف مدیحه سرایی می کشد، اغراضی پنهان و آشکار است که از سوی هر دو طرف، مداح و ممدوح، دنبال می شود: غرض آشکار آن آرامشی است که ممدوح می یابد؛ و غرض پنهان نیز می تواند متعدد باشد، همچون گرفتن صله و ارتقای جایگاه، که مداح در پی آن است و قوام بخشیدن به حکومت و افزایش قدرت، که ممدوح می خواهد به آن ها برسد. اگرچه پیشینه مدیحه سرایی به شعرعربی در دوران جاهلیت می رسد، لیکن در شعر فارسی از قرن سوم هجری رواج یافت و دوران اوج شکوه آن تا قرن ششم هجری بوده است. از قرن هفتم به بعد، به دلیل از بین رفتن دربارهای مقتدری که مشوق شاعران مدیحه سرا بودند، مدیحه سرایی رو به ضعف نهاد. موضوع مدایح از قرن نهم هجری به بعد، بیشتر تجلیل و ستایش اولیای دین است. در دوران متأخر، ملک الشعرا بهار با وارد کردن مضمون های اجتماعی و سیاسی، رنگ تازه ای به مدیحه سرایی داد و این قالب شعری را احیا کرد. از دوران شاه اسماعیل دوم صفوی، بر روی سکه های تاریخی ایران، ابیاتی در مدح و نعت پادشاهان و ائمه معصوم، تا پایان حکومت فتحعلی شاه قاجار ضرب گردیده است. این مقاله می کوشد تا با نگاهی متفاوت و با روش توصیفی، مدایح نقش شده بر روی سکه ها را از نقطه نظر ارزش های اجتماعی حاکم بر ضمیر جامعه و آرزوهای مردمی در دایره صفات مطرح گردیده، بررسی نماید.

کلمات کلیدی

مدیحه سرایی، سکه، صفوی، قاجار.

مقدمه